روزنه

مصر بین چکش اخوان و سندان نظامیان

■ بـه سـختی می‌تـوان نـزاع کنونی بیـن جماعت اخوان‌المسلمین و شورای نظامی حاکم را چنان‌که یکی از رهبران اخوان گفته به «تنها تبادل چند بیانیه» تقلیل داد. درست است که همراهی سیاسی این دو که طی یک سال گذشته جریان داشت اکنون به پایان رسیده اما نمی‌توان با قاطعیت گفت که این نوع همکاری در آینده نیز جریان نداشته باشـد. اما در هر حال یک سالی که تقریبا رابطه آن دو در منطقه‌ای خاکسـتری قرار داشـت اکنون پایان یافته است. اگر زمان به اندازه کافی وجود داشت این رابطه به همین نحو می‌توانسـت ادامه پیدا کند اما زمان اتمام مرحله انتقالی فرارسیده اسـت و باید دیگر روابط این دو شـفاف شـده و به یکی از دو رنگ سـیاه یا سفید درآید. یعنی برخورد یا آشتی. آنچه را که این دو گروه تمایل دارند استفاده از فضای عمومی جامعه و غلبه بر دیگری است. این طناب‌کشی البته گاه در صفحات رسانه‌ها ظاهر می‌شود و گاه نیز به صورت غیررسـمی و پنهان جریان می‌یابد که به صورت اتهامات دوجانبه تجسـم پیدا می‌کند. حملات غیررسمی اخوان‌المسلمین به شورای نیروهای مسلح گاه تا جایی می‌رسد که این شورا را به پاسخگویی و ضدحمله‌ای قوی‌تر برمی‌انگیزد. با این مضمون که می‌خواهد نشان دهد گروه اخوان سعی می‌کند به صورتی غیرمستقیم از نوعی نزاع مسلحانه پشتیبانی می‌کند و بعد نظامیان این پرسش را در میان می‌گذارند که مگر این گروه شاخه نظامی دارد حال آنکه پیش از تحریم شـدن در سـال ۱۹۵۴ چنین بازویی داشت. برای مرحله انتقالی مصر یکی، دو ماه دیگر فرصت بیشتر باقی نمانده است و این همان زمانی است که باید در آن اختلافات را تصفیه کرد. عمده این اختلافات بر سر ماهیت دولت و قانون اساسی و نوع نظام سیاسی آینده مصر و جایگاه ارتش اسـت. در ایـن رابطه باید از ویژگی بودجه و اسـتقلال آن در نحوه اداره کشـور و پروژه‌های اقتصادی و شـهری گسـترده نیز صحبت به میان آورد. پس از آنکه شورای‌عالی نیروهای مسلح از طرح این قضایا پرهیز کرده و آن را به دولت سـابق سـپرد تا تحت‌عنوان «سندالسلمی» به بحث گذاشته شود بعضی از فرماندهان ارتـش در این‌بـاره به صراحت به اظهارنظـر پرداختند و برای نمونه سرلشـکر محمود نصر معـاون وزیر دفاع در امـور بازرگانی درباره دلایلی صحبت کرد که باقی ماندن پروژه‌هـای اقتصادی را در اختیار ارتش به دلایلی امنیتی الزامـی می‌کرد. به هرحال این دو رقیب نیرومند در حال حاضر به لحظاتی نزدیک شده‌اند که می‌طلبد تا مسایل به تعویق افتاده را حل و فصل کنند. از این رو در اینجا دو راه بیشتر وجود ندارد یا اینکه هر دو با هم به تفاهم برسند و با یک شیوه میانی این اختلافات را حل کنند یا به برخورد روی آورند. به‌خصوص اگر یکی از این طرفین احساس کند نمی‌توانـد اراده‌اش را بر دیگری تحمیل کند. البته هنوز فرصت برای راه‌حل‌های میانی باقی است و می‌توانند کاری کنند که مصر را از خطر عظیمی که درصورت تشدید این اختلافات متوجه آن است حفظ کنند. با این حال باید در نظر داشت که در چنین شرایطی مصر می‌تواند به صورتی ناخودآگاه و بدون تصمیم‌گیری مشخص یکی از طرفین به دام درگیرها فرو غلتد. در واقع اگر طرفین سعی نکنند از طریـق گفت‌وگویی جـدی و صریح بدون حیله‌گری و فریب‌کاری به اختلافات‌شـان پایان دهند، کشور را به دام برخوردهای خطرناکی خواهند کشاند. اگر چارچوب‌های قانون اساسی جدید روشن شده و معلوم شود که جماعت اخوان که دسـت بالا را در پارلمان و کمیته تدوین قانون اساسی دارد برخلاف آنچه که طی ماه‌های گذشته اعلام کـرده تمایل دارد ارتش را دچار تغییراتی جوهری کند یا برخلاف واقعیت‌ها از قدرت آن بکاهند باید انتظار داشت که شـورای نظامی حاکم بر مصر نیز فشـارهای خودش را برایـن گروه افزایش دهد. این مسـاله می‌تواند تنش‌ها را به سـمت یک برخورد جدی سـوق دهد. البته حالت دیگری هم محتمل است و آن پیروزی یکی از نامزدهای اخوان‌المسـلمین در انتخابات آینده ریاسـت‌جمهوری و پیش از آن است که تکلیف قانون اساسی و ماهیت دولت و وضعیت ارتش در آن روشـن شده باشد. در این صورت ابهامی که درباره این مسـایل وجود دارد شورای نظامیان حاکم را بـه اندازه کافی نگران کـرده و برآن می‌دارد که تغییرات مذکور را نپذیرند. یک احتمال دیگر این اسـت که شورای نظامی ناچار شود دست پیش گرفته و بر روند انتخابات آینده ریاست‌جمهوری تاثیر بگذارد. شورا در این صورت خواهد کوشید از محبوبیتی که در بین مردم دارد استفاده کند و بدون دخالت مستقیم خود بر افکار عمومی جامعه اثر بگـذارد. زیرا در مصر هنوز ارتش خود را «تنها ستون خیمه» کشـور می‌داند و بسیاری از مردمان ساده اجتماع نیز آن را باور دارند. اخوان‌المسـلمین برای مقابله با «دخالت» نظامیان می‌توانـد طرفدارانش را به خیابان بکشـاند یا اگر احتمال دهد که نامـزدش در برابر نامزد نظامیان شانس برنده شدن را ندارد، بیشترین انرژی خود را بر تدوین قانون اساسی بگذارد و آن را به نحوی تدوین کند که در مصر نظامی پارلمانی را مستقر کند. نظامی که در آن ریاست‌جمهوری بیشتر نقشی فرمالیته داشته باشد. درچنین شـرایطی باید انتظار برخوردها از نوع دیگری را داشت، زیرا طرفداران رییس‌جمهوری که اختیارات ندارند از یک‌سو و طرفداران شورای نظامی از سوی دیگر در برابر این طرح اخوان برای تشکیل یک نظام پارلمانی خواهند ایستاد. همچنین اگر با تصویب چنین قانونی اخوان بخواهد آن را به رفراندوم بگذارد ممکن است که مخالفان با اکثریتی آن را رد کنند و به این ترتیب یک‌بار دیگر طرفداران اخوان با نپذیرفتن نتیجه این رفراندوم شورای نظامی و طرفداران رژیم گذشته را به تقلب در نحوه برگزاری رفراندوم متهم کنند. همه اینها نشان می‌دهد که آینده مصر تا سال‌ها در گروه چالش بین «اخوان» و «نظامیان» حاکم خواهد بود و شاید با تهدیدهایی که هرچند وقت یک‌بار علیه یکدیگر اعلام می‌دارند مصر همچنان اسیر این جنگ قدرت بوده و مجبور باشد تاوان آن را بپردازد.

منبع: الاتحاد

عکس: Getty images

نامزد رد صلاحیت‌شده اخوان‌المسلمین برای ریاست‌جمهوری مصر:

شهرزاد قصه‌گو نیستم

ادامه از صفحه ۶

اما نظام مطلوب برای شـما پارلمانی است؟

این یک تصمیم قطعی و لایتغیر نیست. ما مصری‌ها درک می‌کنیم که در حال ساخت نظام سیاسی جدیدی هستیم که تجربه چندانی در آن نداریم چون نظام سابق ماهیتی استبدادی داشت و فساد گسترده‌ای دامنگیر آن بـود و ما اکنون در آسـتانه مرحلـه و تجربه جدیدی هستیم که البته می‌شود براساس توافق در آن پیش رفت و در فرآینـد آزمون و خطا آنچه را که به نفع مصر اسـت، انتخاب کرد.

منظورتـان این اسـت که این شـیوه تغییر پیاپی مواضع -همچنان‌که برای اخوان در مساله معرفی نامزد رخ داد- کاملا طبیعی است؟

وقتی مصلحت مردم در میان باشد نباید از یاد برد که سیاست بر مدار تجربه است.

با این استدلال چرا از دکتر «عبدالمنعم ابوالفتوح» حمایت‌نکردید؟

مـن برای دکتـر ابوالفتوح احتـرام زیـادی قایلم اما اخوان‌المسلمین روش، موسسات و رویکرد سیاسی خاص خودش را دارد و تصمیم نهایی هم با این گروه است. البته در اینجا نمی‌خواهم در مورد مسایل خصوصی یا مثال‌ها و مصداق‌هـا حرف بزنم اما در جهان سیاسـت این امری معمول است که تصمیم برخی افراد، تحت‌الشعاع تصمیم نهایی حزب یا گروه قرار گیرد. اخوان‌المسلمین هم، مراکز تصمیم‌گیـری خودش را دارد کـه موضع این جماعت را مشـخص می‌کند و این رویکرد مختص به ما نیست و در بسیاری از نقاط جهان هم روی می‌دهد.

یعنی می‌خواهید بگویید، مصلحت اخوان در این اسـت که «خیرت‌الشـاطر» با «عبدالمنعم ابوالفتوح» -کـه او هم قبل از اعـلام نامـزدی، از اخوانی‌ها بود- رقابت کند؟!

خب! این گزینه‌ها، پیش روی مردم اسـت، تا خواست آنها چه باشد؟ که به نظر من این به نفع کشور هم هست که مردم شاهد تنوع در گزینه‌ها باشند و در چنین حالتی وجود نامزدهای متعدد یک مزیت است نه عیب.

اینکه یک حرف دیپلماتیک و تعارف است.

نه، مطلقا. من حرف دلم را زدم نه یک حرف دیپلماتیک.

این درسـت اسـت که اولیـن بار، سـناتور «جان مک‌کیـن» شـما را از تابعیت آمریکایی مـادر «حازم ابواسماعیل» مطلع کرد؟

به هیچ‌وجه. این شـایعه‌ای اسـت که یک عده آن را سـاخته‌اند. مک‌کین یـا هیچ‌کس دیگر بـه صراحت یا کنایه چنین خبری به من نداده اسـت. من با بسـیاری از شخصیت‌های سیاسـی جهان از اروپا و آسیا و ایالات متحده، دیدار و در این دیدارها بر دو مساله تمرکز کرده‌ام و به جز این دو مساله، هر چیز دیگری که به من نسبت می‌دهند، دروغ محض اسـت. نکته اولی که من در همه دیدارهایم مطرح کرده‌ام، میزان استفاده دولت آتی مصر از تجارب برخی کشـورها در سـاخت مصـر جدید و در زمینه‌هایی چون؛ صنعت، حمل‌ونقل یا اداره کشور بوده که این بخش بیشتر جنبه فنی داشته است و نکته دوم در مورد همکاری‌های اقتصادی بوده است چون به نظر من اینها مسایل اساسی و مورد نیاز مصر است و باید در اولویت قرار گیرد. مسایلی در مورد اینکه چگونه کشور را نوسازی کنیم؟ چطور بـا بحران‌های اقتصادی مواجه شـویم؟ و دیگر مسـایل مطرح شده، بسیار جزیی و حاشیه‌ای بوده است بنابراین مطمئن باشید که بنده هدفم را می‌شناسم و می‌دانـم که چه می‌خواهـم و در ملاقات‌ها نیز بر آنها تمرکز می‌کنم حالا اگر چیزی به جز اینها به من نسبت داده شده، کاملا دروغ و ساخته و پرداخته برخی رسانه‌ها همچون تاک‌شو و... است.

خب اگر اینها دروغ اسـت، جـان مک‌کین از چه چیزهایی با شما حرف زد؟ ممکن است این صحبت‌ها مثلا در مورد حمایت مالـی خارجی از نهادهای مدنی باشد؟

او فکر می‌کرد ما با چنین نهادهایی همکاری داریم یا حمایت خاصی از ما می‌شـود اما من به روشـنی توضیح دادم که ما نه از این مسایل خبر و نه رابطه‌ای با آن داریم.

مک‌کیـن از شـما نخواسـت کـه در این مـوارد، کمک‌شان کنید یا مثلا چیزی بگوید که نشان دهد شما باعث شدید برخی از این نهادها به بی‌قانونی تن بدهند؟

بـه هیچ‌وجه، اصلا چنین مباحثی مطرح نشـد و اگر کسی هم ادعایی کند، دروغ گفته است.

شما همچنان با چنین شخصیت‌هایی دیدار دارید، چرا بیانیـه‌ای صریح در مـورد علت یا محتـوای این دیدارها منتشر نمی‌کنید تا راه را بر شایعات ببندید؟ بالاخره حق مردم اسـت که بدانند و شما هم که عضو یک گروه سری نیستید، هرچه باشد عضو کادر رهبری جماعتی هستید که الان اکثریت پارلمان را در دست دارد و به ریاست‌جمهوری هم چشم دوخته است.

طبیعت من این اسـت که همیشه روی کارم متمرکز می‌شـوم و به‌دنبال موفقیت‌های عینـی در دنیای واقعی هسـتم اما در عین حال این روحیه را هم ندارم که محتوا و جزییات کارهایی که در جهت منافع مردم مصر صورت می‌گیرد را فاش کنم یا با بزرگ‌نمایی نقش خودم، دست به باج‌خواهی قبل از انتخابات بزنم که بگویم من فلان و بهمان کردم چون اصولا این کار معقول هم نیست اما باز هم تاکید می‌کنم که در ملاقات‌هایم از آن دو محوری که به شـما گفتم، خارج نمی‌شوم و وارد بحثی هم نمی‌شوم که مجبور شوم بعدا آن را مخفی کنم. این شیوه به این معنا نیست که من مخالف شفاف‌سازی هستم. موضوع صحبت‌هایم در ملاقات‌ها در مورد امور فنی و منافع مصر است و هرکسی که مدعی است من چیزی به جز این موارد، در ملاقات‌ها مطرح کرده‌ام بیاید و با مدرک، ادعایش را ثابت کند.

فکـر نمی‌کنید بـا توجه به پیچیدگی‌ای که در گذشته هم، در رفتـار و منش شـما به‌عنوان بازیگر پشـت‌پرده اخوان، سراغ داریم، این رویه باعث شـود که افکار عمومی شـما را پیچیده‌تر از آن چیزی که سـراغ داشته است، تصور کند؟ بهتر نیست مردم از نظر سیاسی شاهد شفافیت بیشتری از سوی شما باشند؟

من بازیگر پشـت‌پرده نیسـتم، فقط تمرکز زیادی به کارهایـم دارم و این خلق و خوی من اسـت حالا ممکن اسـت برخی دنبال هیاهو و خودنمایی باشند اما من یک مهندس‌ام و دوست دارم بدون هیاهو، اول پی بنا را بریزم و بعد آن را مستحکم و اصولی بسازم. کار من صحنه‌آرایی و تظاهر نیست.

اما شـما با سـکوت خود، بـه شـایعات، گمانه‌زنی و نگرانی‌هایی که در مورد شـما وجـود دارد دامن می‌زنید، چون هیچ اقدامی برای رفع این مسایل در جامعه -از سوی شما- صورت نمی‌گیرد و مردم مردد و بی‌جواب می‌مانند.

من با این حرف شـما موافق نیسـتم، دلیل هم دارم؛ ببینید! هیاتی از مجلس نمایندگان آمریکا به مصر آمدند و با من ملاقات کردند. چندین دیدار داشتیم و در مورد دو مساله اساسی، صحبت کردیم اما ناگهان رسانه‌های گروهی با هیاهو مدعی طرح سه مساله در این دیدارها شدند که کاملا بی‌اسـاس و دروغ بود و اصلا چنین مسایلی مطرح نشد، بنابراین نباید گفت: «مردم قانع نشدند»، بلکه باید گفت: «فتنه‌گرها و غوغاسالاران می‌خواهند فضا را آن‌طور که خود می‌خواهند، نشان دهند.»

فکـر می‌کنید بـه فـرض موفقیـت در انتخابات ریاست‌جمهوری، با پنهانکاری و چراغ خاموش حرکت کردن، یک‌سال هم دوام می‌آورید؟

من با شـما در ایـن موضوع که: «پنهانـکاری جواب نمی‌دهد»، موافقم اما رفتار من مصداق «با چراغ خاموش حرکت کردن» نیست و مساله در آینده هم به این شکل نخواهد بود، چون فرق است بین خیرت‌الشاطری که دود چراغ اخوان‌المسـلمین و حزب عدالت و آزادی را خورده با خیرت‌الشـاطری که مسـوولیت ریاست‌جمهوری را بر عهده دارد. ما در مرحله کنونی رویکرد رسـانه‌ای متفاوت و البته برنامه‌ریزی‌شـده‌ای داریم که ضرورت‌های خاص خـودش را دارد و با عبور از مرحله انتقالی، تغییر خواهد کرد. خیرت‌الشاطر اکنون یک نامزد است و فردا به فرض موفقیت در انتخابات، خادم ملت. در شکل اول و برای یک نامزد انتخابات، رازداری منطقی و طبیعی است اما اگر قرار باشد رییس‌جمهور باشم، وضعیت فرق می‌کند.

خب، ظاهرا چاره‌ای نیسـت جز اینکه صریح‌تر با شـما صحبت کنم. یکی از حرف‌هایی که در مورد شما می‌زنند این اسـت که می‌گویند؛ خیرت‌الشاطر رابطه نزدیکی با دولت قطر دارد و قطری‌ها حامی او هستند. رقبای شـما هم البته حرف‌هایی بیش از این در مورد این رابطه دارند؟!

اولا بنده یک پول سیاه هم از قطری‌ها نگرفته‌ام. نه از قطر و نه از هیچ‌کس دیگر. من همیشـه نان بازوی خود را خورده‌ام و بسـیاری به این مساله اذعان دارند اما سابقه این شـایعات به ده‌ها سال پیش برمی‌گردد. مبارک -که الحمدالله سقط شد و خدا در عین حالی که او را رسوا کرد ما را هم به مردم شناساند و ان‌شاءالله مروجان این شایعه هم مثل او سـقط شـوند- عامل اصلی ترویج این شایعه بود. دیدارهای من کـه بنا بر راهی که در پیش گرفته‌ام جنبه خارجی هم داشته، عموما در مورد همان دو محوری است که به شما گفتم و در این راسـتا به بسیاری از کشورهایی که تجربه آنها می‌توانست به دردمان بخورد، سـفر کرده‌ام از جمله کره، هند، سنگاپور، مالزی، ویتنام، برزیل، آلمان، ایتالیا و... این کشورها همگی دسـتاوردها و تجربیات زیادی برای آموختن داشتند که برای آینده مصر مفید است و اگر قرار باشد به جای تفکر مصرفی به دنبال کسب تجربه‌ها در جهت منافع کشورمان باشیم، چاره‌ای جـز اخذ تجربیات این کشـورها نداریم چنان‌که آلمان و ایتالیا تجربه‌های ارزشمندی در زمینه پروژه‌های کوچک و متوسط دارند، هند در زمینه فناوری نانو، پیشرفت‌های زیادی کرده است و برزیل موفقیت‌های شگفت‌انگیزی در مبارزه با فساد داشته است که همگی به درد ما می‌خورد.

> **وقتی صحبت از حواشی در مورد عبدالمنعم ابوالفتوح یا ابوحازم می‌شود چندان اهمیتی به این حرف‌ها نمی‌دهم و بر اولویت‌های اقتصادی، اداری، امنیتی و رفاهی تمرکز می‌کنم. ما چیزی کمتر از سنگاپور، هند یا ویتنام نداریم بنابراین چرا باید به هیاهوهای ساختگی که تمامی هم ندارد تن بدهیم و به مسایل اساسی‌تر فکر نکنیم؟**

از قطر چه چیزهایی می‌توانیم یاد بگیریم؟

مساله فقط قطر نیست! مهم کل کشورهای خلیج‌فارس اسـت. ما برای شناسـایی موانع سـرمایه‌گذاری در مصر بـا بازرگانان کویت، بحریـن و... تعامل زیادی داریم چون معتقدیم بزرگ‌ترین چالش مصـر جدید- بعد از چالش سیاسـی و امنیتی- چالش اقتصادی است. اکنون بودجه مصر، دچار کاهش ۲۵درصدی است و ۲۵درصد دارایی‌های ما صرف بدهی‌ها می‌شود. به جز این مشکل بزرگ، کاهش درآمد عمومی را هم داریم و تنها راه، جذب سرمایه عربی و بین‌المللی برای پروژه‌های زیربنایی اسـت چون درآمد دولت بسیار پایین و تورم بالاست. ما باید با همه طرف‌های سـرمایه‌گذاری صحبت کنیم و موانع سـرمایه‌گذاری و شکوفایی اقتصادی را از بین ببریم و نیازهای اساسی کشور را برطرف کنیم تا از این بحران خارج شویم بنابراین دنبال وقت تلف کردن نیستیم و معتقدیم باید اول از همه بر رفع چالش‌های امنیتی و بعد مشکلات اقتصادی، تمرکز کنیم.

اینهـا تنها اولویت‌های اساسـی شـما در صورت موفقیت در انتخابات ریاست‌جمهوری است؟

خیـر. ما اولویت‌های زیادی برای مرحله بعد از مرحله انتقالی داریم اما اولویت‌های اصلی اینهاست و گرنه مسایلی از قبیل تجدیدنظر در نظام آموزشی، دستگاه اجرایی که متاسفانه سـالیان متمادی بازیچه حزب وطنی و مبارک بـوده، جـزو اولویت‌های ماسـت. بعد از سـقوط مبارک دستگاه‌های دولتی به شدت دچار هرج‌ومرج شده‌اند و ما باید به گونه‌ای آنها را بازسـازی کنیم که به جای رویکرد گذشـته -که صرفا در جهت شخص و حزب واحد- عمل می‌کـرد، این بار در جهت منافع و مصالح کشـور و مردم باشد. اولویت دیگرمان رفع معضل درگیری‌های طایفه‌ای و مدیریت آن و نیز مساله مسکن و اشتغال است اما باید کارها را به ترتیب جلو برد به همین دلیل من آن موارد را به‌عنـوان اولویت‌های اصلی قلمداد کردم. به همین دلیل اسـت که وقتی صحبت از حواشـی در مورد عبدالمنعم ابوالفتوح یا ابوحازم می‌شود چندان اهمیتی به این حرف‌ها نمی‌دهم و بر اولویت‌های اقتصادی، اداری، امنیتی و رفاهی تمرکز می‌کنم. ما چیزی کمتر از سنگاپور، هند یا ویتنام نداریم بنابراین چرا باید به هیاهوهای ساختگی که تمامی هم ندارد تن بدهیم و به مسایل اساسی‌تر فکر نکنیم؟ ببینید صریح بگویم من شهرزاد قصه‌گو نیستم.

در میان این کشـورها و الگوهایی که بیان کردید، تجربـه کدام‌یک از آنها بیش از همه برای شـما جالب بوده اسـت به نحوی که اگر رییس‌جمهور شوید آن را الگوی عمل دولت یا حزب عدالت و آزادی قرار دهید؟

این‌طور نیست که یک کشـور بیش از دیگر کشورها الهام‌بخش باشد اما به نظرم ترکیه می‌تواند، تجربه منحصر به فرد و قابل توجهـی در اختیار ما بگذارد به‌خصوص از نقطه‌نظر افزایش درآمد ملی که چهار برابر متوسـط ۱۰ سـال گذشته این کشور اسـت. مالزی به خوبی از عهده چالـش چند فرهنگی بودن برآمده و این تهدید را تبدیل به فرصتی برای توسعه کشور کرده است. آفریقای جنوبی با وجود خفقان اجتماعی دوران آپارتاید اکنون به توسعه سیاسی و اقتصادی قابل قبولی رسیده است. این تحولات چگونه روی داده است؟ چطور از دل دیکتاتوری ۴۰ساله فرانکو، اسپانیای دموکرات و مدرن بیرون می‌آید؟ چطور در هند که یک جامعه کشاورزی سنتی است صنعتی پویا رشد می‌کند و چگونه کارگروه‌هایی در احزاب این کشورها به وجود می‌آید که تجربه‌های کارآمد به‌دسـت‌آمده را در برنامه‌های آتی حزب، برای اداره کشـور اجرایی کند؟ ما تـلاش برای درک این تجربه‌ها را از آغاز کار حزب عدالت و آزادی و به محض کسب اکثر کرسی‌های مجلس در دور اول انتخابات، آغاز کردیم و به خوبی این نکته را دریافتیم که اگر قرار باشد، نقشی در قوه‌مجریه ایفا کنیم، باید این تجربه‌های جهانی و موفق را به کار ببندیم.

فکر می‌کنید چه زمانی این طرح شما آماده اجرای کامل است؟

می‌دانید که قبل از انقلاب مصر هیچ حزب و گروهی- حتی مبارک و حزب وطنی- تصور روشنی از یک حکومت کارآمد و نحوه مدیریت درست کشور نداشتند.

اخوان داشت؟

اخـوان هم همینطور. ما یک تصـورات کلی در مورد امور عامـه و نحوه تغییر، منظومه ارزش‌ها، مبنای فکری دینی و توجه عمومی به اجتماع داشتیم اما درک صحیح از جزییات هر کار تجربه نشده‌ای، سخت است بنابراین باید اذعان داشت که ما اکنون در مرحله مقدماتی اجرا هستیم. ما راهبرد مشـخصی داریم و الان وقت اجراست. بگذارید برای شما یک مثالی بزنم از چیزی که در گذشته در جریان بـوده و ما الان یقین داریم که تغییر این مسـاله ضروری اسـت چون تا جایی که مـن از برخی آمارهای اقتصادی مصر باخبرم و برخـی برآوردهای ابتدایی نیز آن را تایید می‌کند، مبارک، اطرافیان و کارچاق‌کن‌هایش نزدیک به سه تریلیون دلار اختلاس کرده‌اند و البته برآورد غربی‌ها و به نقل از خانم اشـتون پنج تریلیون دلار است و بخش اعظـم این غارت، مربوط به تخصیص بخش عمده اراضی مصر با مصارف مسکونی، حفر معدن، اعطای مجوز احداث پروژه‌های سیاحتی -آن هم با قیمت بسیار پایین- به افراد خاص است و ما قصد داریم در تعامل با مردم، نقشه عملیات اقتصادی مصر را از همین مساله شروع کنیم و ثروت مردم را در کوتاه‌ترین وقت ممکن در مجرای برنامه‌های اقتصادی کشور و در جهت منافع مردم به کار بیندازیم.

ادامه مصاحبه را در صفحه ۷ فردا بخوانید

نگاه

اسراییل و انتخابات ریاست‌جمهوری مصر

■ اسراییل که از سال ۱۹۷۹ به موجب معاهده صلح با مصر با این کشور پیوندهای نزدیکی برقرار کرد اکنون با احتیاط زیادی مساله انتخابات ریاست‌جمهوری آینده مصر را دنبال می‌کند. هرچند دراین‌باره کمتربه صورت رسـمی سخن گفته می‌شود، به‌خصوص بعد از تعیین خیرت‌الشاطر نامزد رسمی اخوان‌المسلمین، اما برخی اظهارات از زبان افرادی شنیده می‌شود که نمی‌خواهند هویت‌شان فاش شود. پس از آنکه اخوان‌المسـلمین نامزد خود رامعرفی کرد روزنامه نیویورک‌تایمز تحلیلی را از زبان یک مقام اسراییلی نوشت: روشن است که این خبر خوبی نیست. زیرا اخوان‌المسلمین دوست ما نیست و ما امیدی به آنها نداریم. او در چارچوب تحلیل خود پرسیده بود: اگر آنها به قدرت برسند چه نوع عمل‌گرایـی را می‌خواهند به نمایش بگذارند؟ یک مقام دیگر درهمان روز در روزنامه اسراییلی یدیعوت آحارونوت درباره الشاطر نوشت: این مساله بسیار نگران‌کننده است، نه از او میانه‌روی سـراغ داریم و نه چیزی دیگر. به هرحال او یکی از اعضای اخوان‌المسـلمین است و معاهده صلح با اسراییل را قبول ندارد. درهمین رابطه کانال ۱۰ تلویزیون اسراییل گزارشی منتشر کرد که از زبان یک مقام در وزارت خارجه اسـراییل آمده بود انتخابات مصر در تاریخ تعیین شده برگزار نخواهد شد زیرا بین گروه‌های مختلف سیاسی در این کشور پیرامون تشکیل کمیته تدوین قانون اساسی اختـلاف وجود دارد و این قوانین نیـز به نوعی اختیارات رییس‌جمهور را محدود خواهد کرد. نگرانی اسراییل درباره نحوه برگزاری انتخابات مصر و نتایج آن بی‌دلیل نیسـت. سـرنگونی رژیم حسنی مبارک و حزب حاکم او در ژانویه ۲۰۱۱ بزرگ‌ترین ضربه را بر منافع امنیتی و اسـتراتژیک اسـراییل پس از امضای معاهده صلـح وارد آورد. پس از انقـلاب نیز این منافع بارها در معرض تهدید قرار گرفت و همین مسایل موجب می‌شود تا اسراییل همچنان نسبت به آینده نگران باشد. این درحالی است که شورای نظامی که هم اکنون مرحله انتقالی را برعهده دارد متعهد شـده پس از برکناری مبارک معاهده صلح را حفظ کند و اخیرا نیز در پاسخ به درخواست اسـراییل پذیرفت ۷۰۰ سرباز اضافی را به منظور حمایت از تاسیسـات مربوط به انرژی در صحرای سینا مستقر کند. همچنین سازمان اطلاعات مصر در به سرانجام رساندن توافقنامه تبادل اسرا با حماس نقش مهمی داشـت و در نهایت موجب شد تا برابر آزادی گلعاد شالیت یک هزار اسیر فلسطینی آزاد شوند. به هرحال مصر پس از مبارک نقش مهمی در حفظ آتش‌بس در غزه داشـته و تاکنون توانسته گروه‌های مختلف فلسطینی را نسبت به آن متعهد کند. با این همه تاکنون ۱۴بار خطوط لوله انتقال گاز از مصر به اسراییل هدف گروه‌های تروریستی قرار گرفته اسـت. این خط نزدیک به ۴۰درصد از نیازهای گاز اسراییل را تامین می‌کند. در قاهره نیز مردم خشمگین در ۱۰ سـپتامبر ۲۰۱۱ به سفارت اسراییل حمله کرده و اسـناد آنجا را به هم ریختنـد. این عمل نفرت مردم مصر نسبت به معاهده صلح با اسراییل را بازتاب می‌داد. این اقدام از آن تاریخ به بعد سفیر اسراییل را مجبور کرد تا در خانه کار کند چون مصری‌ها حاضـر به اجاره دادن یا فروختن منزلی برای تاسـیس یک سفارتخانه جدید نشدند. از آن گذشته او به نوشـته روزنامه‌های اسراییلی باید هر هفته برای گذراندن تعطیلات خود به اسراییل برود. این تحولات پشت سـرهم اعصاب تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران در اسـراییل را به‌هم ریخته اسـت. از جمله شـیمون‌پرز رییس‌جمهور اسراییل که موجب شد تا در کنفرانس سالانه هرتزلیا مساله انزوای روز افزون اسراییل را به‌خصوص پس از انقلاب‌های موسوم به بهار عربی مطرح کند و بخشی از این امر را به گردن بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر انداخته و در همین رابطه خواستار پیشبرد روند صلح با فلسطینی‌ها شود. به موازات این تحولات، روزنامه‌های اسراییلی تغییرات عمیق‌تر در مصـر و جهت‌های احتمالـی آن به‌خصوص پس از آنکه اسـلام‌گرایان توانسـتند اکثریت کرسی‌های مجلـس را به دسـت آورده و خـود را بـرای رقابت‌های ریاسـت‌جمهوری آماده کنند مورد مطالعه قرار می‌دهند. در کنار نظر کارشناسـانی که در پیوند با تحولات مصر به اظهارنظـر می‌پردازند از جمله یورام میتال و زیبی باریل یکی هم، دیدگاه‌های یوسی بیلین معاون سابق وزیرخارجه اسراییل جالب توجه اسـت. وی درمقاله‌ای که ۱۲ مارس تحت عنوان «منصور حسـن را بشناسید» به چاپ رسید به بررسـی وضعیت کسـی پرداخت و انتظار داشـت در رقابت‌های ریاست‌جمهوری برنده شود. انتظاری که البته با کنار کشـیدن از دور رقابت‌ها بر باد رفت. منصور حسن روزگاری وزیـر فرهنگ دولت انورسـادات بود. در مقابل، روزنامه هارتس به نقل از یورام میتال رییس مرکز مطالعات خاورمیانه حاییم هرتزوغ در دانشگاه بن گورین مطلب جالب توجه دیگری نوشـت و خلاصه‌اش ایـن بود که انتخابات ریاسـت‌جمهوری مصر مرحله‌ای بحرانی پس از سـقوط حسـنی مبارک خواهد بود؛ زیرا ایـن انتخابات به مرحله انتقالی کنونی پایان می‌دهد و پس از آن قدرت از شـورای نظامی به مجموعه‌های انتخابی واگذار خواهد شد. میتال دراین مقاله از پنج مرکز قدرت در مصر کنونی سخن گفته بود: اول مجلس الشعب که نمایندگان منتخب مردم در آن حضور دارند، پس از آن شـورای نظامی، ریاست‌جمهوری جدید، میدان التحریر و دولت آینده. به نظر او تشکیل دولت جدیـد و میزان اختیارات او درکنار رییس‌جمهور و میزان اختیاراتش از محورهای معضلات سیاسی و قانونی آینده مصر خواهد بود. از سوی دیگر اسحاق لیوانون سفیرسابق اسـراییل در مصر نسبت به حضور گروه اخوان‌المسلمین در انتخابات ریاست‌جمهوری هشـدار داده و گفته آنها به این وسـیله بر کل مصر سیطره خواهند داشت. وی افزود: انتخاب یکی از اعضای آنها به ریاسـت‌جمهوری به معنای ترکیـب دو قدرت اجرایی و قانونگـذاری خواهد بود. او در پایان یادآور شده بود: همه دموکراسی‌ها نیازمند تفکیک قوا هستند و اگر دو قوه (مقننه و مجریه) در یک‌جا جمع شود نگران‌کننده خواهد بود.

منبع: الجزیره